جام جم
۲ سیاسی POLITICS
دوشنبه ۲۵ خرداد ۱۴۰۵ شماره ۷۳۴۵

در پیام فرمانده قرارگاه مرکزی خاتم‌الانبیا(ص) تاکید شد:

پاسخ فراموش نشدنی به کوچکترین لغزش دشمن

فرمانده قرارگاه مرکزی حضرت خاتم‌الانبیا (ص) در پیامی به مناسبت گرامیداشت شهدای جنگ تحمیلی ۱۲ روزه نوشت: مقاومت و بعثت دوباره شما، فصل نوینی را در تحولات بین‌الملل رقم زد و جمهوری اسلامی ایران را در قامت یک «قدرت جهانی اثرگذار» تثبیت کرد. فرزندان شما در نیروهای مسلح، به‌ویژه فرماندهان شهید که تربیت‌یافتگان اصیل مکتب امام خمینی (ره) و امام خامنه‌ای شهید بودند، از روز اول نهضت، بغض و عداوت با استکبار و صهیونیسم را جزئی جدانشدنی از ماهیت انقلاب اسلامی می‌دانستند و می‌دانند.

سردار سرلشکر علی عبداللهی افزود: اتفاقات یک سال اخیر، از جنگ ۱۲ روزه تا «جنگ رمضان»، علیرغم خسارت‌های سنگین و داغ جانسوز شهادت امام شهید، فرماندهان و مردم بی‌گناه، یک فرصت بزرگ برای «تسویه‌حساب تاریخی» با جنایتکاران فراهم کرد؛ نیروهای مسلح به پشتوانه مردم و با عنایت الهی بر سر آن‌ها آوردند آن چه لایق‌شان بود. فرمانده قرارگاه خاتم‌الانبیا همچنین تصریح کرد: توان رزمی، دفاعی و قدرت موشکی، دریایی، پهپادی و پدافند هوایی ما پرقدرت‌تر از گذشته و تحت اوامر فرماندهی معظم کل قوا، حضرت آیت‌الله سید مجتبی حسینی خامنه‌ای مدظله‌العالی، ارتقا یافته و فرزندان ملت در نیروهای مسلح «دست‌به‌ماشه»، آماده شلیک به قلب دشمن هستند. سرلشکر عبداللهی با تاکید بر اینکه آرمان مقدس فتح قدس و انتقام خون امام شهید هرگز فراموش نخواهد شد، هشدار داد: ما منتظر کوچک‌ترین لغزشی از سوی دشمن متجاوز هستیم تا درسی فراموش‌نشدنی و پایان‌بخش به آن‌ها بدهیم.

همزمان با افزایش گمانه‌زنی‌ها در خصوص تفاهم اولیه ایران و آمریکا «جام‌جم» شرایط غلبه قاطع در میز مذاکرات را بررسی کرد

شروط ۱۰گانه؛ راهگشای منافع ملی

مهدی سیف‌تبریزی
گروه سیاسی

سفر هیات قطری به ایران و دیدار با مقامات کشورمان در شرایطی انجام می‌شود که طی روزهای گذشته نیز یکی از مشاوران وزیر امور خارجه قطر برای بررسی پیش‌نویس یادداشت تفاهم پایان جنگ علیه ایران به تهران آمده بود. مقام‌های ایران و آمریکا نیز طی روزهای اخیر از نزدیک‌شدن به توافق سخن گفته‌اند. در همین چارچوب، ۱۰ شرطی که پیش از آغاز مذاکرات اسلام‌آباد توسط شورایعالی امنیت ملی و با تایید رهبری مطرح شد، نقشه‌راهی برای تضمین حقوق ملت ایران و جلوگیری از تکرار تجربه‌های تلخ گذشته به‌شمار می‌رود. تجربه برجام و دهه‌ها تعامل پرهزینه با واشنگتن نشان داده است که در روابط با آمریکا، صرف اعلام تعهد کافی نیست و هر توافقی تنها زمانی ارزشمند خواهد بود که سازوکارهای اجرایی و تضمین‌های لازم برای پایبندی طرف مقابل در آن پیش‌بینی شده باشد.

۱ توقف جنگ و تضامین آن

نخستین شرط، تعهد به تضمین عدم تجاوز است. تجربه نشان داده است هر بار آمریکا به‌دلیل عدم تعیین تضامین نقد و دقیق با نقض عهد، مسیر مداخله و تجاوز به تمامیت ارضی کشورمان را طی می‌کند. باید هر توافقی با معرفی متجاوز، هزینه هرگونه حمله و جنایت را به‌شدت بالا ببرد.

۲ پایان جنگ علیه محور مقاومت

دومین شرط، پایان جنگ علیه تمامی اجزای محور مقاومت است. تجربه سال‌های اخیر و به‌ویژه ماه‌های گذشته نشان داده بحران‌های منطقه‌ای به‌صورت جزیره‌ای قابل حل نیستند. هر بار که آتش در یک جبهه خاموش شده اما در جبهه‌های دیگر شعله‌ور مانده، چرخه تنش دوباره بازتولید شده است.

از نگاه ایران، اگر قرار است توافقی پایدار شکل بگیرد، نباید صرفا محدود به توقف درگیری میان تهران و واشنگتن باشد. ادامه فشارها بر بازیگران همسو با ایران در منطقه می‌تواند در آینده بار دیگر همان شرایطی را ایجاد کند که منطقه را وارد چرخه جدیدی از بحران و ناامنی کرد. در مدت زمان برقراری آتش‌بس به وضوح دیدیم که رژیم صهیونیستی با چراغ سبز آمریکا بارها مناطق مختلف لبنان از جمله جنوب این کشور و حتی منطقه ضاحیه بیروت را مورد هجوم قرار داد و لبنان در این مدت بالغ بر ۳ هزار شهید داد. اصرار ایران بر گنجاندن اعضای محور مقاومت به‌خصوص لبنان در چارچوب هرگونه توافق نشان‌دهنده عزم ایران برای حمایت و محافظت از تک‌تک اعضای محور مقاومت در برابر هرگونه وحشیگری رژیم صهیونیستی است.

۳ خروج نیروهای آمریکایی؛ یکی از درس‌های جنگ

سومین شرط، خروج نیروهای رزمی آمریکا از منطقه است. جنگ اخیر بار دیگر این بحث را در سطح منطقه مطرح کرد که آیا حضور گسترده نظامی آمریکا به ثبات منجر شده یا خود بخشی از مشکل بوده است.

از نگاه تهران، بخش قابل توجهی از تنش‌های سال‌های گذشته در بستری شکل گرفته که مملو از نیروهای خارجی، پایگاه‌های نظامی و آرایش‌های تهاجمی بوده است. به همین دلیل، کاهش حضور نظامی آمریکا اقدامی در جهت کاهش احتمال درگیری‌های آینده و ایجاد ترتیبات امنیتی بومی در منطقه تلقی می‌شود.

۴ پروتکل امنیتی هرمز؛ تبدیل قدرت میدانی به حق حقوقی

چهارمین شرط، ایجاد پروتکل عبور و مرور امن در تنگه هرمز است. اهمیت این بند در آن است که می‌تواند دستاوردهای میدانی ایران را به یک چارچوب حقوقی تبدیل کند.

جنگ نشان داد که هیچ ترتیبات امنیتی در هرمز بدون در نظر گرفتن نقش ایران قابلیت اجرا ندارد. از همین رو، تهران تلاش می‌کند این واقعیت میدانی را به یک توافق رسمی تبدیل کند تا در آینده نیز جایگاه ایران در این آبراه براساس یک سازوکار مورد توافق تثبیت شود.

۵ جبران خسارت؛ فراتر از یک مطالبه مالی

پنجمین شرط به پرداخت خسارت‌های وارد شده به ایران مربوط می‌شود. این موضوع صرفا یک مطالبه اقتصادی نیست. در تمامی منازعات بین‌المللی، پرداخت خسارت به معنای پذیرش مسئولیت اقدامات انجام شده است.

از نگاه ایران، اگر جنگ و فشارهای اقتصادی بدون هیچ مسئولیتی برای عاملان آن پایان یابد، عملا این پیام مخابره خواهد شد که استفاده از زور و فشار هزینه‌ای ندارد. به همین دلیل، مساله خسارت بخشی از تلاش ایران برای تثبیت اصل مسئولیت‌پذیری در روند پایان جنگ است.

۶ رفع تحریم‌های اولیه؛ شرط لازم برای هرگشایش اقتصادی

ششمین شرط به رفع تحریم‌های اولیه مربوط می‌شود. تجربه سال‌های گذشته نشان داده بدون رفع این محدودیت‌ها، حتی آزادسازی بخشی از منابع مالی نیز نمی‌تواند تحول بنیادینی در اقتصاد ایران ایجاد کند.

در سال‌های اخیر بسیاری از مشکلات مربوط به تجارت خارجی، نقل‌وانتقالات بانکی و دسترسی به بازارهای جهانی مستقیما تحت تأثیر این تحریم‌ها بوده است. از همین رو، تهران معتقد است که هرگونه توافق پایدار باید به رفع واقعی این محدودیت‌ها منجر شود.

۷ رفع تحریم‌های ثانویه؛ مهم‌ترین درس برجام

هفتمین شرط شاید بیش از هر بند دیگری تحت تاثیر تجربه برجام قرار داشته باشد. پس از توافق هسته‌ای سال ۲۰۱۵، اگرچه بخشی از تحریم‌ها روی کاغذ لغو شد اما بسیاری از بانک‌ها و شرکت‌های بین‌المللی به دلیل ترس از مجازات‌های آمریکا حاضر به همکاری گسترده با ایران نشدند. نتیجه آن بود که بخش مهمی از مزایای اقتصادی توافق هرگز به طور کامل محقق نشد.

به همین دلیل امروز تهران صرفا به رفع برخی محدودیت‌ها اکتفا نمی‌کند و بر حذف تحریم‌های ثانویه نیز اصرار دارد؛ زیرا در غیر این صورت بخش بزرگی از مزایای اقتصادی توافق در حد شعار باقی خواهد ماند.

۸ رفع قطعنامه‌ها؛ جلوگیری از بازگشت فشارها

هشتمین شرط، رفع قطعنامه‌های شورای حکام و شورای امنیت است. تجربه سال‌های گذشته نشان داده است که این سازوکارها بارها به ابزار فشار سیاسی علیه ایران تبدیل شده‌اند.

از نگاه تهران، باقی ماندن این پرونده‌ها به معنای حفظ امکان بازگشت فشارها در آینده خواهد بود. بنابراین هر توافق پایداری باید راهکاری برای پایان‌دادن به این چرخه مستمر از پرونده‌سازی و فشار سیاسی نیز ارائه کند.

۹ دارایی‌های بلوکه‌شده؛ حقی که باید بازگردد

نهمین شرط، آزادسازی کامل دارایی‌های بلوکه‌شده ایران است؛ موضوعی که برای افکار عمومی نیز بیشترین اهمیت را دارد.

در سال‌های گذشته بارها خبرهایی درباره آزادسازی بخشی از منابع مالی ایران منتشر شد اما در موارد متعدد، دسترسی عملی به این منابع با موانع بانکی، حقوقی یا سیاسی مواجه شد. به‌همین دلیل امروز صرف اعلام آزادسازی منابع کافی نیست و تهران به‌دنبال سازوکاری است که دسترسی واقعی، پایدار و بدون مانع به این دارایی‌ها را تضمین کند. این موضوع برای مردم ایران صرفا یک بحث دیپلماتیک نیست؛ بلکه مستقیما با معیشت، ثبات اقتصادی و آینده بازارهای مالی کشور ارتباط دارد.

۱۰ قطعنامه الزام‌آور؛ تضمینی برای تکرار نشدن برجام

اما شاید مهم‌ترین بند در میان تمامی شروط، شرط دهم باشد؛ تصویب همه تعهدات در قالب یک قطعنامه الزام‌آور شورای امنیت. تهران معتقد است هر توافقی که فاقد تضمین‌های حقوقی و بین‌المللی کافی باشد، ممکن است در آینده دوباره با همان سرنوشت مواجه شود. از این رو، تبدیل تعهدات به یک سند الزام‌آور بین‌المللی نه یک مطالبه تشریفاتی، بلکه تلاشی برای جلوگیری از تکرار تجربه‌ای است که هزینه‌های سنگینی بر کشور تحمیل کرد.

در نهایت، اگر توافق آینده بتواند حقوق اقتصادی، امنیتی و سیاسی ایران را تضمین کند، می‌تواند به نقطه آغازی برای کاهش تنش‌ها تبدیل شود اما اگر این تضمین‌ها نادیده گرفته شود، خطر تکرار تجربه‌های پرهزینه گذشته همچنان پابرجا خواهد ماند. از همین رو، شروط ده‌گانه را می‌توان نه مانعی بر سر راه دیپلماسی، بلکه راهگشایی برای دفاع از منافع ملی در یکی از حساس‌ترین مقاطع تاریخ معاصر ایران دانست.

یادداشت

سعدالله زارعی | تحلیلگر ارشد مسائل بین‌الملل

لبنان و ایران، جسم و جان یکدیگر

حمله دیروز رژیم صهیونی که در قالب عملیات ویژه علیه بیروت انجام شد واقعیت پیش‌روی لبنان و رژیم غاصب را نشان می‌دهد. این اقدام جنایتکارانه نشان داد اسرائیل نمی‌خواهد به قاعده‌ای که نتیجه آن خط آرامش در دو سوی فلسطین و لبنان است یا قاعده‌ای که نتیجه آن خط آرامش در دو سوی جبهه آمریکایی و اسرائیلی و جبهه مقاومت است، تن دهد. بنابراین واضح است هر خطی که درواقع یا حتی در ظاهر مبتنی بر رفع یا کاهش تنش باشد خواه در قالب مذاکرات اسلام‌آباد و خواه در قالب مذاکرات واشنگتن، جواب نمی‌دهد و باید کنار گذاشته شوند. کما این‌که در عمل موضوعیت خود را از دست داده‌اند. کنار رفتن خط کاهش تنش چندان به نفع اسرائیل هم نیست چراکه از یک‌سو اولویت راهکار مقاومت را تداعی می‌کند و از سوی دیگر همگرایی حول محور مهار اسرائیل را در منطقه شکل می‌دهد. این اقدامات سبب کاهش فشار داخلی و منطقه‌ای روی حزب‌الله می‌شود و انزوای رژیم اسرائیل را عمق بیشتری می‌بخشد کما این‌که در سطح جهانی نیز همین اثر را دارد. دیروز در حالی که خبرها در اطراف توافق ایران و آمریکا رسانه‌های جهان را پر کرده بود، حمله رژیم به بیروت، بمبی برای به بن‌بست کشاندن تلاش‌ها برای کاهش تنش در غرب آسیا ارزیابی شد و این به نفع رژیم در بحران اسرائیل نیست. کما این‌که به ضرر آمریکا هم تمام شد. پس از اقدام دیروز علیه بیروت، انگشت‌ها به سمت واشنگتن چرخید و مقامات آن متهم به ریاکاری و خیانت در روند سیاسی شدند. رژیم اسرائیل با یک هدف ترکیبی به بیروت حمله کرد و از میان برداشتن چند مقام در حزب‌الله فقط یکی از آنها بود که ردیف اول اهداف هم نبود. اسرائیل تلاش کرد تا قاعده جمهوری اسلامی که یک هفته پیش با تهاجم به شش نقطه در بخش‌های شمالی و مرکزی سرزمین‌های اشغالی متولد شد را با زیر پا گذاشتن خط قرمز سپاه پاسداران پایان یافته معرفی کند. همان زمان که حمله با اقدام اول و آخر عملیاتی ایران صورت گرفت، برخی رسانه‌های رژیم نوشتند ترامپ به نتانیاهو گفته فقط چند روز صبر کند و این به معنای شراکت او در اقدام تروریستی اسرائیل است که در قالب عملیات ویژه به اجرا گذاشته شد. رژیم اسرائیل برای آن‌که با پاسخ ایران مواجه نشود، ابتدا از واژه عملیات به جای جنگ استفاده کرد یعنی خواست بگوید این اقدامی با نتیجه نقض آتش‌بس نیست و سپس ایران را تهدید کرد که در صورت دست زدن به تهاجمی جدید علیه اسرائیل، با زده شدن زیرساخت‌های غیرنظامی خود مواجه می‌شود. خود این نشان می‌دهد در ارزیابی دستگاه نظامی و امنیتی اسرائیل، پاسخ سنگین جمهوری اسلامی قطعی ارزیابی شده و اسرائیل از آن هراس دارد. حسب بیانیه چند روز پیش قرارگاه خاتم‌الانبیا، برای جمهوری اسلامی تفاوتی در واژگان جنگ و عملیات و عملیات ویژه نیست. خود جنگ همه این واژگان را در خود جای داده و هیچ جنگی بدون آنها معنا ندارد. پس ایران خط کشی نخواهد کرد. تهدید به زدن زیر ساخت هم که اسرائیل آن را سپری در مقابل عملیات ویژه خود تخیل کرده کارایی ندارد چراکه این شمشیری دو لبه است و از قضا آسیب‌های آن بیشتر به سمت اسرائیل سر ریز می‌کند؛ اگر زدن همه زیرساخت‌های غیرنظامی ایران چندین ماه زمان لازم داشته باشد، زدن همه زیرساخت‌های غیرنظامی اسرائیل تنها چند ساعت زمان لازم دارد و باز این در حالی است که وابستگی رژیم به زیرساخت‌هایی مثل آب، برق و گاز خیلی بیشتر از وابستگی ایران به این موارد است. ایران به لبنان و حزب‌الله مقتدر آن تعهد دارد. لبنان از حیث فرهنگی در جایگاه مادر ایران نشسته، چراکه جاده گسترش تشیع در ایران از مدارس علما در جبل‌عامل و جبل‌الصافی شروع شده و پایش آن هم به دست همین‌ها صورت گرفته است. حزب‌الله که از دامان همین مدارس جبل‌عامل برخاسته، امروز سپر مستحکم اسلام در منطقه در مقابل غرب متجاوز و سفاک است. بله ایران و لبنان جسم و جان هم هستند.

یادداشت

دکتر علی اکبر اسدی | عضو هیأت علمی پژوهشگاه علوم انسانی

دفاع مقدس و چالش‌ها در خلیج فارس

تجاوز آمریکا و اسرائیل به ایران و تحمیل جنگی ۴۰ روزه بر کشور، رویدادی مهم و اثرگذار در فضای منطقه‌ای و بین‌المللی کنونی است. این رویداد بخش عمده‌ای از بازیگران منطقه‌ای و به‌خصوص کشورهای عربی جنوب خلیج فارس را متاثر ساخت. در حالی که این کشورها در منازعات منطقه‌ای چند سال اخیر در حاشیه بحران‌ها قرار داشتند، در این جنگ به بخشی از جغرافیای جنگ تبدیل شدند. رهبران عرب خلیج فارس در طول یک دهه اخیر در تلاش بودند به تدریج خود را از بحران‌ها و منازعات خاورمیانه جدا کنند و به پیگیری طرح‌ها و برنامه‌های اقتصادی خاص خود بپردازند اما تجاوز آمریکایی-صهیونیستی به ایران و وقوع جنگ رمضان نشان داد شرایط و معادلات ژئوپلیتیک و منازعات ناشی از رقابت‌های مداوم و توسعه‌طلبی بازیگران متجاوز در محیط همسایگی این کشورها، به ناچار کشورهای شورای همکاری را نیز به بخشی از میدان نبرد و منازعه تبدیل می‌کند و تصورات و محاسبات امنیتی پیشین رهبران عرب را دگرگون می‌سازد. در این راستا مهم‌ترین تغییر به تحول روابط این کشورها با جمهوری اسلامی ایران از مرحله مدیریت تنش به تشدید تنش و بازدارندگی فعال مربوط است که به معنی بروز چالش‌های جدید در روابط همسایگی کشورهای دو سوی خلیج فارس در نتیجه جنگ اخیر است.

روابط ایران و کشورهای عربی خلیج فارس در طول دهه‌های گذشته با فراز و فرودهای مختلفی مواجه شده و از تقابل‌های جدی و جنگ سرد تا تلاش‌های معطوف به تنش‌زدایی و شکل‌دهی به برخی همکاری‌ها را شامل شده است. با تصاعد بحران‌های منطقه‌ای ناشی از خیزش‌های مردمی جهان عرب بعد از ۲۰۱۱، رقابت‌ها و تنش‌های بین تهران و پایتخت‌های عربی جنوب خلیج فارس به‌شدت افزایش یافته و به‌خصوص به قطع شدن یا کاهش سطح روابط با کشورهایی مانند عربستان سعودی و امارات متحده عربی منجر شد اما پیامدها و هزینه‌های بالای این سطح از رقابت و تنش، کشورهای خلیج فارس را وادار ساخت بار دیگر مدیریت و کاهش تنش را در اولویت قرار دهند؛ تحولی که از جمله به احیای روابط ایران و عربستان در پی توافق پکن در سال ۲۰۲۳ منجر شد. در طول این سال‌ها ایران سیاست همسایگی و بهبود روابط با کشورهای عربی خلیج فارس را مورد تاکید قرار داد و رهبران عرب نیز لزوم کاهش تنش‌ها و در اولویت قرار دادن همزیستی مسالمت‌آمیز و حسن همجواری را به‌عنوان اصول و منافع مورد نظر خود در روابط با تهران مورد اشاره قرار دادند.

به‌رغم برخی نتایج مثبت روند تنش‌زدایی برای مناسبات، برخی از مؤلفه‌های ساختاری از جمله تعارض دیدگاه‌های ایران و کشورهای عربی درخصوص امنیت منطقه‌ای، تداوم بی‌اعتمادی و استمرار سطحی از رقابت‌ها مانع از آن شد که مدیریت تنش به همکاری‌های گسترده و تعمیق روابط منجر شود. در این دوره ایران در چارچوب سیاست همسایگی به ارائه طرح‌هایی برای همکاری گسترده و تامین امنیت منطقه‌ای پرداخت و برای تسری تعاملات سیاسی به همکاری‌های اقتصادی عمیق و حتی سطحی از روابط امنیتی تلاش کرد اما عوامل مختلفی مانند اولویت امنیت وارداتی معطوف به مشارکت با غرب برای رهبران عرب و نگاه حداقلی و بازدارنده این کشورها به تنش‌زدایی با ایران مانع از آن شد که سیاست همسایگی ایران با دستاوردهای جدی و پایداری همراه شود. در این میان به‌رغم سطحی از منافع مشترک، وابستگی سیاسی و امنیتی کشورهای شورای همکاری به آمریکا و شراکت راهبردی آنان با غرب به‌عنوان چالش مهمی برای روابط همسایگی دو سوی خلیج فارس است که به‌خصوص با تجاوز آمریکا و اسرائیل به ایران و وقوع جنگ اخیر به‌خوبی نمایان شد.

استفاده آمریکا از پایگاه‌های خود در کشورهای شورای همکاری برای تجاوز به ایران و واکنش فوری تهران و مورد هدف قرار دادن خاک این کشورها، به توقف مرحله تنش‌زدایی و بروز چالش‌های کلیدی در روابط بازیگران دو سوی خلیج فارس منجر شد. این جنگ نشان داد مناسبات طرفین و امنیت منطقه‌ای در حوزه خلیج فارس همچنان به‌شدت از مؤلفه‌های بین‌المللی تاثیرپذیر است. تداوم منازعات و تنش‌های بین آمریکا و اسرائیل با ایران و استمرار وابستگی سیاسی و امنیتی کشورهای عربی خلیج فارس به غرب تعارض مهمی است که هرگونه تلاش برای تعمیق سیاست همسایگی و توسعه همکاری‌ها را ناکام خواهد گذاشت. در این خصوص هرچند رهبران عرب تلاش‌های اولیه‌ای را برای تقویت چندجانبه‌گرایی و کاهش وابستگی امنیتی به آمریکا آغاز کرده‌اند اما واقعیت آن است که این کشورها همچنان از ظرفیت‌های سیاسی و نظامی-امنیتی لازم برای ایجاد تحول اساسی در الگوهای امنیتی خود برخوردار نیستند و حداقل برای دوره‌های زمانی کوتاه‌مدت و میان‌مدت ناچارند برای تقویت امنیت خود به شراکت با واشنگتن ادامه دهند.

متن کامل را در جام‌جم آنلاین بخوانید

یادداشت

دکتر غلامرضا خواجی | عضو هیأت علمی دانشگاه فردوسی مشهد

میدان و خیابان مراقب دیپلماسی

سخنان سردار قهرمان سیدمجید موسوی و سخن از میدان و خیابان، نظامی‌ها و دیپلماسی، شعار همه انقلابیون و دلسوزان انقلاب است. مردم میدان و خیابان به‌طور جدی مراقب دیپلمات‌ها که سابقه خوبی در مذاکرات با آمریکا ندارند و غافلگیر می‌شوند، هستند. آیه قرآنی که حضرت آقای شهید در زمان حیات‌شان در پرهیز از ترس و حزن و در جمع مسئولان تلاوت کردند، خطاب به برخی ترسویان بود. اگر کمی توجه و بصیرت باشد، در همه نظام‌ها مراقبت دلسوزان برای حفظ منویات نظام وظیفه است. خودسرها و دیکتاتورها از صدای انتقاد هراس دارند. امثال کسانی که می‌خواهند منتقدان را خاموش کنند -که البته به همین خیال باشند- توجه ندارند که انتقاد و مراقبت از فعالیت‌های مسئولین، یعنی محافظت از نظام. مردم خیابان و میدان و منتقدان اگر در سوریه و لیبی بودند، آنجا سقوط نمی‌کرد. مردم میدان و خیابان و منتقدین توافق و هر حرکت مسئولین، یعنی کنترل و مراقبت میدان از دیپلماسی. گرچه دیپلماسی ذاتا از نظارت خوشش نمی‌آید ولی مردم و منتقدین با توجه به تجربه منفی از آنها، این بار خیلی جدی مراقب‌شان هستند و به دقت آنها را رصد و کنترل می‌کنند. با هر حرف و ده‌ها فایل صوتی، مهدی و محمود ساکت نمی‌شوند و در همه رویدادهای کشور، گوش به فرمان امام خامنه‌ای هستند. اگر اهل حق و منطق باشیم، این حقایق را با گوش جان می‌شنویم.

رئیس جمهور:

حفظ وحدت جامعه از هر موضوعی مهم‌تر است

رئیس جمهور در نشستی با جمعی از مدیران رسانه‌های کشور، در تشریح مهم‌ترین اولویت‌های کشور در مقطع کنونی گفت: صیانت از همبستگی اجتماعی و جلوگیری از شکل‌گیری شکاف‌های داخلی، ضرورتی راهبردی برای حفظ منافع ملی است. دکتر مسعود پزشکیان تصریح کرد: برای بنده، حفظ وحدت و انسجام جامعه از هر موضوع دیگری اهمیت بیشتری دارد. در بسیاری از موارد، با وجود امکان طرح برخی دیدگاه‌ها و مواضع، ترجیح داده‌ام از بیان آنها خودداری شود تا مبادا کوچک‌ترین آسیبی به انسجام ملی و همبستگی اجتماعی کشور وارد شود. دکتر پزشکیان ادامه داد: در بسیاری از موارد، ملاحظات بنده معطوف به آن است که مبادا موضعی برخلاف نگاه و سیاست‌های رهبرمعظم‌انقلاب تلقی شود و به وحدت کشور لطمه وارد کند. از این رو، همواره تلاش کرده‌ام جهت‌گیری‌ها و سیاست‌های کلان نظام مورد توجه و رعایت قرار گیرد.

دکتر قالیباف:

با تجاوز صهیونیست‌ها به ضاحیه، ادامه مذاکره ممکن نیست

درپی حلمه دیروز صبح رژیم صهیونیستی به منطقه ضاحیه در پایتخت لبنان، رئیس مجلس شورای اسلامی در حساب کاربری خود در شبکه اجتماعی ایکس، نوشت: تجاوز صهیونیست‌ها به ضاحیه بار دیگر نشان داد آمریکا یا اراده‌ای برای اجرای تعهدات خود ندارد یا توان آن را.

محمدباقر قالیباف افزود: با چراغ سبز نشان دادن به رژیم نمی‌توانید امتیاز بگیرید. بازی پلیس بد و پلیس خوب قدیمی شده است. رئیس هیات مذاکره‌کننده ایران با طرف آمریکایی هشدار داد: اگر اراده و توان اجرای تعهدات خود را ندارید، سخن گفتن از ادامه مسیر ممکن نیست.

همچنین سردار محمدجعفر اسدی، معاون بازرسی قرارگاه مرکزی خاتم‌الانبیا (ص) در واکنش به حمله صهیونیست‌ها به ضاحیه گفت: بدون شک این جنایات بی‌پاسخ نخواهد ماند.

رئیس قوه قضاییه:

صهیونیست‌ها آرزوی خالی شدن خیابان‌ها را به گور می‌برند

رئیس قوه قضاییه در مطلبی در فضای مجازی با تاکید بر تلاش دشمن برای مخدوش کردن وحدت، گفت: صهیونیست‌های خبیث علنا می‌گویند که منتظر خالی شدن خیابان‌ها از ملت مبعوث‌شده ایران هستند. آنها این آرزو را به گور می‌برند. حجت‌الاسلام والمسلمین محسنی اژه‌ای نوشت: وحدت ساحات در ایران اسلامی استمرار خواهد داشت؛ میدان، خیابان، دیپلماسی و رسانه؛ همه و همه در راستای ارتقای همبستگی ملی ما هستند. رئیس قوه قضاییه افزود: سنگر خیابان را رها نخواهیم کرد و فریاد و غریو اقتدار و اتحادمان، مکمل مقاومت مقدس و دیپلماسی انقلابی‌مان خواهد بود.

حجت‌الاسلام اژه‌ای تصریح کرد: همه مسئولان کشور متفق‌القول‌اند که در برابر دشمن نباید کوتاه آمد؛ در این رابطه هیچ اختلاف‌نظری وجود ندارد؛ در این‌که ما نباید تسلیم تهدیدات و فشارهای دشمن در بخش‌های نظامی، اقتصادی و رسانه‌ای شویم همه یکصدا هستند؛ البته ممکن است در اتخاذ روش‌ها، اختلاف‌نظر باشد اما در اصل مقاومت تردیدی وجود ندارد.

فرمانده هوافضا:

از هر کلامی که اتحاد را به خطر می‌اندازد، دوری نمایید

فرمانده نیروی هوافضای سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در پیامی برای مراسم رونمایی از مجموعه چهارجلدی «آسمان‌دار» با محوریت چهار فرمانده شهید این نیرو در جنگ ۱۲ روزه خطاب به مردم حاضر در میدان تصریح کرد: «ملت بصیر و غیور که در خونخواهی امام شهید مبعوث گشتید و در راه تحقق آرمان‌های بلند انقلاب اسلامی و اقتدار و سرافرازی ایران عزیز، با امام حاضر عهدی تازه بستید؛ هوشیار باشید که از شئون متعهدبودن، تبعیت‌کردن است.» سردار سید مجید موسوی افزود: «پس نه یک گام جلوتر و نه یک گام عقب‌تر، بلکه همراه با ولی خویش باشید. درست در مسیری که امام خمینی کبیر رحمه الله علیه فرمودند: پشتیبان ولایت فقیه باشید تا به مملکت شما آسیب نرسد. گوش به‌فرمان ولایت بوده و از هر کلامی که اتحاد مقدس شما را به خطر می‌اندازد، دوری نمایید. سرباز ولایت و جانفدای ملت.»